

متن پرسش

سلام علیکم استاد: وقت بخیر: ابتدا می خواهم شرایط الان خودم را با قلم ناچیزم برایتان به تصویر بکشم. الان حس بچه ای را دارم که مدام به او داریم لغت و مفاهیم جدید را آموزش می دهیم ولی او به معنای واقعی کلمه از درک آن ها و دلایل و براهین اش عاجز است و فقط در مقام تایید برمی آید. می خواستم دغدغه های ذهنی خودم که پیرامون مطالعه صحبت های گرانقدر شما برایم به وجود آمده را با شما در میان بگذارم. به امید باز شدن راهی جدید. شما به عقل تاریخی ای می پردازید و آن را تعبیر به عقلی غیر از عقل متافیزیک و مرده می کنید که کمی آدم را فراتر از جایگاهی می برید که اکنون در آن در حال گذر کردن است. و او را به آینده و حس حضور تاریخی دعوت می کنید که هم شیرین است و هم رسالت تاریخی افراد را شفاف تر خواهد کرد. به نظرم ما از این مرحله که باید فعالیت های از جنس دیگری را متناسب با شرایط تاریخی حال حاضر برای خودمان ترسیم و تعریف و عملیاتی کنیم عبور کرده ایم اما حال سوالی که پیش می آید این است که چه کنیم که این مطالب فقط در عالم انتزاع به سر نبرند و با الان ما پیوند بخورند...؟! گاهی اوقات با خواندن مطالب آدم حس پذیرش متن را در وجود خودش احساس می کند و راستی و درستی آن را قطع به یقین باور می کند ولی پس از فکر درباره ی آن به آدم حس علوم ماورایی و دور از ذهن بودن دست می دهد. به گونه ای که شاید نتوان برای هرکسی بازگو کرد. اما این عقلی که باید متناسب با زمانه ما باشد و به قول امام صادق (علیه السلام) به شناخت زمانه ما کمک کند چه طور می خواهد قلب ما را در بگیرد؟! چگونه می توان به این دست پیدا کرد که کاری که فعلا در حال انجام آن هستیم همان کاری است که حضور تاریخی ما آن را می طلبد! و در جواب یکی از پرسشگران بیان کرده بودید که شما فقط با قلب خود را آماده کنید تا انقلاب اسلامی شما را در بگیرد، این موضوع چگونه محقق خواهد شد؟! چگونه می توان با این عقل به کارآمد نبودن آینده ی دنیای توسعه یافته برای حال خودمان رسید؟ نمی دانم چرا به دنبال پاسخ روشنی برای این موضوعات می گردم با اینکه می دانم اینها همه معارفی هستند که باید تدریجاً متناسب با ظرفیت هر شخصی بر دل و جانش وارد شوند. ولی خود این ایجاد ظرفیت هم جای سوال دارد. از توجه شما نهایت تشکر را دارم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: دقیقاً آن احساسی که در خود دارید نحوه‌ای از عبور تاریخی است. عبور از تاریخ متافیزیک. ولی این طور نیست که سیطره‌ی روح متافیزیکی به راحتی عقب‌نشینی کند، بلکه دائم

می‌خواهد موضوعات را در حیطه‌ی خود بشناسد و از این جهت است که شما می‌مانید چگونه حس تاریخی یا کشف تاریخی را دنبال کنید زیرا آن عقل، یعنی عقل متافیزیک باز به میان می‌آید و می‌خواهد در حیطه‌ی خودش مطلب را جستجو کند و ما باید هوشیار باشیم که این‌جا جای خطاب «واخلع نعلیک اٹک بالواد المقدس طوی» است. یعنی باید نعلین عقل نظری و عملی را از پای جان بیرون کرد، زیرا حقیقت عریان و پیداست و در صحنه‌ی تاریخ انقلاب اسلامی به شکوفایی و گشودگی به میان آمده است به همان معنایی که ماورای این نوع عقل‌های حساب‌گر، شهید حججی را می‌فهمیم ولی در همان لحظه اگر به عقل رجوع کنیم، پیش خود می‌گوییم نمی‌فهمیم چرا نسبت به آن شهید بزرگ چنین احساسی را داریم. می‌گویی چگونه این «یافت» را به بقیه بگویم، روح بقیه آن را می‌شناسد، تنها باید متذکر شد. موفق باشید